

یادداشت

تحول نظام بودجه‌ریزی در گرو مدیریت تعارض منافع است

جمال کاکانی*

● در ادبیات توسعه، تحول اقتصادی را نتیجه سه مؤلفه «تغییر در کمیت و کیفیت جوامع بشری»، «تغییر در ذخیره دانش بشری، به‌ویژه دانشی که برای کنترل طبیعت به کار می‌رود» و «تغییر در چارچوب نهادهی که ساختار انگیزشی عامدانه و هدفمند جامعه را معین می‌کند» می‌دانند. چارچوب نهادی از یک سو، متشکل از ساختار سیاسی (شیوه انتخاب‌های سیاسی)، ساختار حقوق مالکیت (مشوق‌های اقتصادی رسمی) و ساختار اجتماعی (هنجارها و رسوم، مشوق‌های غیررسمی در اقتصاد) تعریف می‌شود. از دیگر سو، کلید فهم فرایند تحول، قصدمندی بازیگرانی است که عاملان تغییرات نهادی هستند و فهم فراگیر از مسائل دارند. به باور داگلاس نورث، اقتصاددان شهیر، در سراسر تاریخ و عصر کنونی، رشد اقتصادی از روندی مستمر و پیوسته برخوردار نبوده است، زیرا با غایات بازیگران تأمین‌کننده رفاه جامعه نبوده یا فهم بازیگران از مسائل و دغدغه‌ها در حدی ناقص بوده که عملکرد برنامه‌های بازیگران به نحوی افراطی از اهداف و مقاصد آنها فاصله گرفته است. به بیان دیگر، بهبود عملکرد اقتصادی یک جامعه، مستلزم فهم فرایند رشد اقتصادی و پیچیدگی‌های تحول نهادی است.

یکی از ریشه‌های ناکارآمدی، نابرابری و فقر، وجود تعارض منافع در جوامع است، زیرا گروه یا سازمانی که بتواند منافع خود را بر دیگران تحمیل کند، موجب افزایش سهم خود از اقتصاد و کاهش سهم بقیه خواهند شد. همان‌طورکه «عجم اوغلو و جمیز رابینسون» مسئله اقتصادی همه کشورهای درحال‌توسعه را مهار الیگارش‌می می‌دانند و بر این باورند اقتصاد و اقتصاددان اگر می‌خواهند به مردم کمک کنند، باید رمز مقابله با الیگارش‌ی را شناسایی و با سیاست‌های اقتصادی زمینه محو الیگارش‌ی را فراهم کنند. در این ارتباط نیز سیاست‌گذاران و پژوهشگران علوم اجتماعی اگر در پی کاهش مشکلات فوق‌الذکر هستند، باید در پی یافتن راه‌حل‌هایی باشند که منافع گروه‌ها و سازمان‌ها را هماهنگ کرده و بستر تعارض منافع موجود را مدیریت کنند. در مقام تعریف، مجموعه‌ای از شرایط را که موجب می‌شود تصمیمات و اقدامات حرفه‌ای، تحت تأثیر یک منفعت ثانویه قرار گیرد، تعارض منافع می‌نامند؛ به‌گونه‌ای که سازمان شفافیت بین‌الملل، تعارض منافع را شرایطی می‌داند که در آن افراد یا سازمان‌ها - دستگاه‌های اجرایی دولتی، رسانه‌ها، کسب‌وکار یا سازمان مدنی - با انتخاب بین وظایف خود و منافع شخصی‌شان مواجه می‌شوند. همچنین، بانک جهانی به تمرکز بر موضوع فساد در حاکمیت، فساد را سوءاستفاده از جایگاه عمومی برای به‌دست‌آوردن منافع شخصی می‌داند. این در حالی است که وجود تعارض منافع بستر امکان سوءاستفاده از آن موقعیت را به وجود می‌آورد. اما فساد زمانی اتفاق می‌افتد که از موقعیت مزبور سوءاستفاده شده باشد؛ بنابراین می‌توان ادعاکرد اغلب فسادها، ناکارآمدی‌ها و نابرابری‌ها در بستری به وقوع خواهد پیوست که تعارض منافع موجود مدیریت نشده باشد. بررسی موقعیت‌های تعارض منافع سازمان‌محور حاکی از آن است که بخش عمده این نوع تعارض منافع، ناشی از ساختار نهادی موجود است؛ به بیان دیگر، ساختار نهادی حاکم موجب شکل‌گیری موقعیت‌های تعارض منافع می‌شود. ساختار نهادی آمیزه‌ای از قواعد رسمی، محدودیت‌های غیررسمی و ویژگی‌های اجرایی آنها را شامل می‌شود. این در حالی است که تحول نهادی می‌تواند ناشی از تغییر در چارچوب نهادی باشد. همواره سیاست‌گذاران از تغییر قواعد رسمی برای بهبود عملکرد اقتصادی استفاده می‌کنند. در این میان می‌توان به مجموعه اقداماتی که سیاست‌گذاران به‌طور مشخص از برنامه سوم توسعه اقتصادی بعد از انقلاب اسلامی به این سو به‌منظور تمرکززدایی و لزوم مداخلات منطقه‌ای تشکیل «شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان» ماده (۲۰) برنامه و «ستاد درآمد و تجهیز منابع» ماده (۸۱) و (۸۲) برنامه در پیش گرفته‌اند، اشاره کرد. گفتنی است هم‌اکنون ماده (۳۱) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور و همین‌طور مصوبه - شماره ۱۴۲۷۵-۱۴۲۷۳-۵۲- هیئت وزیران حاکم بر موضوعات فوق‌الذکر است.

● در ادبیات توسعه، تحول اقتصادی را نتیجه سه مؤلفه «تغییر در کمیت و کیفیت جوامع بشری»، «تغییر در ذخیره دانش بشری، به‌ویژه دانشی که برای کنترل طبیعت به کار می‌رود» و «تغییر در چارچوب نهادهی که ساختار انگیزشی عامدانه و هدفمند جامعه را معین می‌کند» می‌دانند. چارچوب نهادی از یک سو، متشکل از ساختار سیاسی (شیوه انتخاب‌های سیاسی)، ساختار حقوق مالکیت (مشوق‌های اقتصادی رسمی) و ساختار اجتماعی (هنجارها و رسوم، مشوق‌های غیررسمی در اقتصاد) تعریف می‌شود. از دیگر سو، کلید فهم فرایند تحول، قصدمندی بازیگرانی است که عاملان تغییرات نهادی هستند و فهم فراگیر از مسائل دارند. به باور داگلاس نورث، اقتصاددان شهیر، در سراسر تاریخ و عصر کنونی، رشد اقتصادی از روندی مستمر و پیوسته برخوردار نبوده است، زیرا با غایات بازیگران تأمین‌کننده رفاه جامعه نبوده یا فهم بازیگران از مسائل و دغدغه‌ها در حدی ناقص بوده که عملکرد برنامه‌های بازیگران به نحوی افراطی از اهداف و مقاصد آنها فاصله گرفته است. به بیان دیگر، بهبود عملکرد اقتصادی یک جامعه، مستلزم فهم فرایند رشد اقتصادی و پیچیدگی‌های تحول نهادی است.

ادامه از صفحه ۵

شرق؛ رئیس‌جمهور اواخر هفته قبل در جلسه هیئت دولت در بخشی از سخنان خود، حرفی را به زبان آورد که بسیار امیدبخش بود؛ پرداخت بارانه اجاره‌بها به مستأجران. حسن روحانی در راستای حمایت از مستأجران گفته: «آن دسته از مستأجرانی که دارای حقوق ماهانه ثابت بوده یا تحت حمایت نهادهای حمایتی مانند کمیته امداد امام خمینی (ره) یا سازمان بهزیستی هستند، در شهر تهران برای تأمین ودیعه مسکن خود می‌توانند ۵۰ میلیون وام با کارمزد ۱۳ درصد دریافت کنند. این رقم در شهرهای بزرگ ۳۰ میلیون تومان و در شهرهای کوچک نیز ۱۵ میلیون تومان خواهد بود». براساس این تصمیم، مستأجران در پایان مدت یک سال اجاره، باید کل اصل وام و دیعیه را به بانک بازگردانند. پیش‌تر نیز دولت در حمایت از مستأجران، برای افزایش سالانه اجاره‌بهای مسکن در تهران، شهرهای بزرگ و شهرهای کوچک، سقف تعیین کرده بود تا از روند صعودی و غیرمنطقی اجاره‌بهای مسکن جلوگیری کند، اما این اقدام تا چه اندازه مشکل بازار اجاره‌بهای مسکن را حل می‌کند و تا چه اندازه از فشار بر مستأجران می‌کاهد؟ هرچند این اقدام مثبت ارزیابی می‌شود؛ اما نقیصه‌هایی غیرقابل چشم‌پوشی دارد. براساس این تصمیم، حدود ۲۵ درصد از جمعیت شاغل کشور از دریافت این بارانه حدود پنج درصدی دولت، حذف می‌شوند؛ زیرا درآمد ثابتی ندارند. علاوه بر اینکه امتیاز ویژه‌ای برای کارمندان دولتی که حقوق ثابت دارند و همچنین پایتخت‌نشینان در نظر گرفته شده است که می‌تواند سیاست‌های آتی مسکن در کشور را متأثر کند. درحالی‌که بخش‌هایی حذف‌شده از دریافت این بارانه اندک دولتی در بخش اجاره‌بها، بیشترین نیاز را به حمایت دولت دارند. به نظر می‌رسد دولت پیش از اجرای این تصمیم خود، حتماً باید آن را بازنگری کند؛ زیرا این شائبه ایجاد می‌شود که دولت امتیاز ویژه‌ای برای نوجشمی‌های خود در نظر گرفته است.

شرط استفاده از ودیعه مسکن

مدیر کل دفتر اقتصاد مسکن وزارت راه و شهرسازی گفته از حدود شش‌میلیون و شش هزار مستاجر در کشور، حدود دومیلیون و ۲۰۰ هزار خانوار مستاجر نیازمند حمایت و دریافت کمک ودیعه مسکن هستند. ثبت‌نام برای ودیعه مسکن تا ۹ مرداد ادامه دارد و تا ساعت ۱۸ چهارم مرداد، ۶۵۹ هزار سیرست خانوار برای دریافت کمک‌ودیعه مسکن ثبت‌نام کرده‌اند. پروانه اصلائی گفته: «طرف یک هفته آینده به متقاضیان پیامکی ارسال می‌شود تا برای تکمیل اطلاعات خود در سامانه اقدام ملی به نشانی www.tem.mrud.ir مراجعه و اطلاعات خود را تدقیق کنند. بعد از تدقیق اطلاعات، پالایشی براساس قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن و آیین‌نامه اجرایی آن انجام می‌شود تا معین شود که متقاضیان ثبت‌نام‌کننده قبلاً تسهیلات بارانه از حوزه مسکن نداشته باشند، از سال ۸۴ به بعد مالک نباشند، متاهل یا سرپرست خانوار باشند و سابقه سکونت در شهر مورد تقاضا را به مدت پنج سال داشته باشند. بعد از آن براساس شاخص‌هایی که اعلام شد، اولویت‌بندی شده و به بانک‌ها معرفی می‌شوند.»

او گفته دستورالعمل پرداخت وام ودیعه مسکن از سوی بانک مرکزی نهایی می‌شود و احتمالاً وام ودیعه مسکن با سازوکاری شبیه فروش خودرو در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد. اصلائی همچنین تأکید کرده پرداخت وام ودیعه مسکن از دو هفته آینده آغاز می‌شود و برای عملیاتی‌کردن این برنامه، مهلت ثبت‌نام تمدید نخواهد شد.

اقتصاد

«شرق» اماوگرهای پرداخت ودیعه مسکن تا سقف ۵۰ میلیون به مستأجران را بررسی می‌کند

امتیاز ویژه دولت به مرکز نشینان



یارانه دولت برای اجاره‌بها بسیار اندک است

فردین یزدانی، کارشناس اقتصاد مسکن، در گفت‌وگو با «شرق» در تحلیل این اقدام دولت با تأکید بر اینکه اکنون دولت جز پرداخت یارانه به مستأجران نمی‌تواند کار دیگری کند، می‌گوید: «با توجه به اینکه معاش مردم در شرایط کنونی اقتصادی، تحت فشار جدی قرار گرفته است، پرداخت یارانه به بخش نیازمند آن که مستأجران نیز در این دسته قرار می‌گیرند، مهم‌ترین اقدامی است که دولت می‌تواند انجام دهد؛ اما با توجه به یک‌ساله‌بودن آن و همین‌طور پایین‌بودن دستمزد در ایران، بسیاری توان بازپرداخت آن را هم نخواهند داشت». یزدانی نکته تأمل‌برانگیزی را مطرح می‌کند: «دولت در اینجا وام با بهره پایین‌تر در نظر گرفته است که به نسبت پرداخت وام با ۱۸ درصد، تقریباً حدود پنج درصد یارانه برای مستأجران در نظر گرفته شده است که قطعاً بسیار کم است و تکافوی وضعیت کنونی را نمی‌دهد».

حذف نیازمندان از یارانه اجاره‌بهای دولت

این کارشناس اقتصاد مسکن با اشاره به شرطی که رئیس‌جمهور برای پرداخت یارانه اجاره‌بها در نظر گرفته، می‌گوید: «با این اقدام، دست‌کم ۲۰ تا ۲۵ درصد از جمعیت شاغل کشور که حقوق ثابت ندارند و تحت پوشش بیمه نیز نیستند، از دریافت این یارانه حذف می‌شوند». او در ادامه می‌افزاید: «حقوق ثابت برای بخش خصوصی که اکنون در شرایط اقتصادی پرنوسان قرار دارد، معنادار نیست. در نتیجه خودبه‌خود بخش دیگری از جمعیت، از دایره دریافت این یارانه حذف می‌شوند. از سویی تسویه تسهیلات تا پایان یک سال، موجب می‌شود کارگرانی که تا چهار میلیون هم دریافتی دارند، از دریافت آن منع خواهند شد. به گفته او، با این اوصاف، در ادامه اجرای این اقدام دولت، بخش درخورتوجهی از مردم از دریافت یارانه حذف می‌شوند که اتفاقاً بیشترین نیاز به این یارانه را دارند». این کارشناس اقتصاد مسکن با بیان اینکه این شروط برای اطمینان از بازگشت وام به سیستم بانکی است، ادامه می‌دهد: «نمی‌توان در اصل این موضوع، اِبرارد کرد؛ اما راهکارهای دیگری وجود داشت که تبعاتی مانند اجرای این طرح نداشته باشند. پرداخت وام با اجاره‌نامه به مالک می‌توانست راهکار جایگزین باشد».

بیشتر مردم درآمد ماهانه ثابت ندارند

مهدی سلطان‌محمدی، کارشناس اقتصاد مسکن، در گفت‌وگو با «شرق» با بیان اینکه برای اولین‌بار است که پرداخت سنت کمک‌هزینه به مستأجران در دستور کار دولت‌ها قرار می‌گیرد، می‌گوید: «با آغاز این کار، انتظار برای استمرار

آن با توجه به افزایش نرخ تورم و به تبع آن اجاره‌بها در سال‌های آینده، وجود خواهد داشت؛ بنابراین باید برای آن برنامه‌ریزی دقیقی انجام شود. از سویی در نظر داشته باشید که وقتی منابع محدود است، باید به فکر آن بود که در چه بخشی این منابع به کار گرفته شود که بیشترین اثربخشی را داشته باشد». سلطان‌محمدی در ادامه با نگاهی به آمارها می‌افزاید: «درحال حاضر حدود ۴۳ درصد خانوارهای ایرانی و حدود ۳۰ درصد کل جمعیت شهرنشین در ایران، مستاجر هستند؛ بنابراین با جمعیت حدود شش میلیون خانوار روبه‌رو هستیم». این کارشناس اقتصاد مسکن با تکیه بر محدودیت منابع، می‌گوید: «با توجه به این محدودیت، باید حمایت از محروم‌ترین بخش‌های جامعه انجام شود. افرادی که تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی هستند، جزء محروم‌ترین اقشار به شمار می‌روند؛ اما اینکه حقوق‌بگیران ثابت، جزء این دسته‌بندی باشند، جای بحث دارد. بیشتر مردم ایران حتی از دریافت درآمد ثابت ماهانه نیز محروم هستند که از این دسته‌بندی حذف می‌شوند». سلطان‌محمدی در ادامه می‌افزاید: «درحال حاضر درصد بی‌کاری در کشور بسیار بالاست و حدود ۱۰۵ میلیون نفر به‌دلیل فشار تحریم‌ها و شیوع ویروس کرونا در سال گذشته از بازار کار خارج شده‌اند. قاعدتاً این افراد درآمد ثابت ندارند. حال این پرسش مطرح می‌شود که این افراد در اولویت هستند یا افرادی که حقوق ثابت ماهانه دارند؟».

جانب‌داری دولت از نیروهای تحت پوشش خود

به گفته او، به نظر می‌رسد دولت اکنون در حال جانب‌داری از نیروهای تحت پوشش خود است و تلاش می‌کند منابع را به بخش مد نظر خود هدایت کند و این شائبه ایجاد می‌شود که دولت در تلاش است که نیروهای تحت پوشش خود را راضی نگه دارد. این کارشناس به نکته تأمل‌برانگیز دیگری نیز اشاره می‌کند که تکیه بر امتیازدهی به مرکز‌نشینان است و می‌گوید: «با درنظرگرفتن ارقام بالاتر وام برای تهران‌نشین‌ها، به‌نوعی بر پرداخت سوبسید به پایتخت تأکید می‌کنیم. وقتی سیاست کلی دولت آن نیست که جمعیت تهران افزایش پیدا کند و فشار جمعیتی را می‌خواهد از تهران کاهش دهد، این سیاست تشویقی دقیقاً نتیجه معکوس می‌دهد؛ بنابراین این یارانه یا باید مساوی توزیع می‌شد یا اینکه شهرسان‌های دور و روستاها را در اولویت قرار می‌داد».

امتیاز ویژه دولت به پایتخت‌نشینان

در گفت‌وگو با او به بالابودن اجاره‌بها در تهران در مقایسه با دیگر شهرها اشاره می‌کنم که احتمالاً ایجادکننده این محدودیت تصمیم‌گیری برای دولت بوده است. او در پاسخ می‌گوید: «این نکته قطعاً در نظر گرفته شده؛ اما آنچه بیش‌ازاین محتمل است، به تصمیم‌گیری مرکز‌نشینان بازمی‌گردد که به‌نوعی جانب‌داری از مرکز را تقویت می‌کند. باید به پاسخ این پرسش داده شود که چرا اجاره‌بها در تهران گران‌تر است؟ پاسخ روشن است؛ زیرا تقاضا برای مسکن در تهران در مقایسه با عرضه مسکن، بسیار بالاست. در این شرایط، با تقویت تقاضا در تهران، به حل مسئله کمک می‌کنیم یا بفرنج‌تکردن آن؟». به گفته او، دولت باید با توزیع عادلانه این تسهیلات یا حتی درنظرگرفتن تبعیض به نفع گروه‌های کم‌درآمد و محروم‌تر، این مشکل را حل می‌کرد؛ زیرا اقدام عکس آن می‌تواند در درجات مختلفی روی نرخ اجاره‌بها در تهران نیز اثر نامطلوب بگذارد. به‌هرحال به نظر می‌رسد دولت در این مصوبه خود، امتیاز ویژه‌ای را برای پایتخت‌نشینان در نظر گرفته است».



با هدف مهار مهاجرت سیال هیدروکربوری در کنار ملاحظات سیاسی - امنیتی انجام می شود

موج دوم توسعه در میادین مرزی با عراق



خارجی در قالب قراردادهای بیع متقابل آغاز شده که اکنون با توان پیمانکاران و شرکت‌های ایرانی ادامه دارد و فاز نخست آنها به اتمام رسیده یا در حال طی کردن مراحل نهایی است.

چرا یاران؟

یاران یکی از میدان‌های مشترک غرب کارون توسعه میدان‌های مسخت‌گیرانه علیه صنعت نفت ایران برمی‌گردد. توسعه ایس میدان هرچند از نظر حجم ذخایر با میدان‌های بزرگی چون آزادگان و یادآوران قابل مقایسه نیست، اما به‌دلیل مشترک‌بودن با عراق و همچنین تمایلی که سیال این میدان به‌دلیل شیب مخزن به سمت عراق دارد، اهمیت زیادی دارد. این میدان که به بخش شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود، با توان شرکت‌های داخلی در حال توسعه است. بخش

شمالی میدان یاران با نفت در جای یک میلیارد بشکه، در آذرماه سال۱۳۹۰ با امضای موافقت‌نامه از سوی شرکت ملی نفت ایران به شرکت توسعه صنعت نفت و گاز پرشیا واگذار شد. این میدان در مجاورت میدان آزادگان جنوبی و در نزدیکی میدان‌های جفیر و یادآوران قرار دارد و هدف از توسعه آن، تولید ۳۰ هزار بشکه نفت در به‌صورت روزانه تعریف شده است.

ازآنجاکه شرکت نفت و گاز پرشیا، نخستین تجربه خود را در قالب پیمانکار اصلی توسعه یک میدان مشترک بر عهده داشت، تولید زودهنگام از میدان هم در برنامه گنجانده شد تا پیش از بهره‌برداری از فاز نخست میدان، برداشت نفت از آن آغاز شود. از همان ابتدا برنامه‌ریزی‌ها برای توسعه میدان انجام شد و همکاری خوبی میان شرکت متن به عنوان کارفرما و شرکت نفت و گاز پرشیا به‌عنوان پیمانکار وجود داشت، اگر چه پروژه در ابتدا مقداری تأخیر داشت و در ادامه راه هم به‌دلیل تحریم‌ها، مشکلات فراوانی در نقل و انتقال پول و کالا به وجود آمد، بااین‌حال یاران شمالی نسبت به پروژه‌های غرب کارون در دولت یازدهم پیشرفت خوبی داشت و حتی در مواردی هم از برنامه جلوتر بود، به‌طوری‌که آن را رکوردار توسعه در غرب کارون از نظر سرعت و زمان حفاری اعلام کردند. بهمن سال ۱۳۹۱ بود که برداشت نفت به‌صورت محدود از میدان یاران شمالی آغاز شد و در آبان ۱۳۹۵، فاز نخست این پروژه با هدف برداشت ۳۰ هزار بشکه نفت با حفاری ۲۰ حلقه چاه به‌طور رسمی وارد مرحله عملی شد. البته بخش جنوبی میدان یاران در دستور کار شرکت مهندسی و توسعه نفت بود که در سال ۱۳۹۶ یعنی حدود یک سال بعد از میدان یاران شمالی، برداشت نفت از آن آغاز شد.

واگذاری توسعه به یک شرکت ایرانی

مهرماه ۱۳۹۵، شرکت ملی نفت ایران و شرکت توسعه صنعت نفت و گاز پرشیا با هم توافق‌نامه امضا کردند، وقت آن رسیده بود که این شرکت ایرانی،

ادامه از صفحه اول

ماجرای اتهامات میرسلیم به قالیباف

از نظر حقوقی، تهمت، تهمت است و روا و ناروای آن را شارع تعیین تکلیف نکرده است. جامعه در بهت این مطلب است که فردی با سابقه مصطفی میرسلیم، مدعی می‌شود در اسفند سال ۹۵ و در دوره دهم مجلس، طرح تحقیقوتفتحص از عملکرد شهرداری تهران را واگذاری املاک و پروژه‌ها به اشخاص حقیقی و حقوقی در دستور کار قرار گرفت و وقتی نمایندگان به آن رأی دادند، این رأی‌ندادن عقبه‌ای داشت که یک رشوه ۶۵میلیاردی علت آن بود.

اینجا با دو موضوع کاملاً متفاوت از یکدیگر روبه‌رو هستیم؛ میرسلیم مدعی است «همه مدارک را به دستگاه قضائی ارجاع داده‌ام و پیگیری‌ها از جانب آنها انجام می‌شود. اصل موضوع به تحقیقوتفتحص زمان حضور قالیباف در شهرداری برمی‌گردد. وقتی تحقیقوتفتحص در مجلس دهم رأی نمی‌آورد، شهردار وقت از اینکه چنین موضوعی رأی نیاورده، تشکر می‌کند».

تا اینجاچی قضیه از زبان میرسلیم معلوم می‌شود که شکایتی از ناحیه ایشان در قوه قضائیه علیه قالیباف مطرح است. حال تهمت روا یا ناروا باشد، برمی‌گردد به تحقیقات و رسیدگی قوه قضائیه. از آن طرف نیز احدیان، دستیار سیاسی قالیباف می‌گوید: «مشوّلان قضائی در حال پیگیری تهمت‌های ناروای آقای میرسلیم به رئیس و برخی از نمایندگان مجلس هستند، منتظر اعلام نتیجه فوری دستگاه‌های قضائی هستیم». این وسط مردم کجای اختلاف‌ها و شکایت‌های این دو هستند؟ باید پاسخ آن را از قوه قضائیه انتظار داشت.

در ظاهر با دو شکایت از طرف دو نماینده مجلس که یکی عضو کمیسیون صنایع مجلس و دیگری از ناحیه میرسلیم علیه رئیس مجلس هستیم که برمی‌گردد به عملکرد رئیس مجلس در زمان ریاست ایشان بر شهرداری تهران. وقتی عدد ۶۵ میلیارد به‌عنوان رشوه مطرح می‌شود، آن‌هم در قضیه‌ای که شفافیت آن می‌تواند نوری بر دوره ریاست شهرداری اسبق تهران و رئیس فعلی مجلس بتاباند، عدم رسیدگی به آن باعث دلسردی مردم می‌شود. هنوز سه ماه از دوره مجلس یازدهم نگذشته است. اگر به این دو پرونده در قوه قضائیه به سرعت رسیدگی شود، اعتماد مردم به مجلس با خود خواهد گشت؛ والا این ذهنیت که می‌شود به مجلس اتهام زد و در حاشیه امن بود یا خدای ناکرده تخلف کرد و حتی با برهم‌اشدن اتفاق خاصی نخواهد افتاد، باعث بی‌اعتمادی مردم خواهد شد.

۵۰ سال بعد از زلزله قرقاوه

در نهایت گزارش فنی و علمی در سازمان برنامه و یونسکو و در قالب مقالات علمی در ژورنال‌ها و نشریات معتبر بین‌المللی منتشر می‌شود که خوشبختانه در اینترنت در دسترس است. در بخشی از چنین مطالعاتی مهندسان فرانسوی (دبیر و لسکوویه) و استاد بوسلاو (مقدونیه‌ای) زنده‌باد «آرسوفسکی» و بعدتر دکتر «جان چالنگو»، استاد امپیرال کالج لندن و دیگران هم حاضر بودند.

در مطالعه انجام‌شده روی زلزله قرقاوه دکتر جان چالنگو حضور داشت. دکتر چالنگو بعدا در میانه دهه ۷۰ میلادی اساسا کار دانشگاهی را رها کرد و به برنامه‌سازی علمی در تلویزیون بی‌بی‌سی پرداخت. همین مسئله نشان می‌دهد که دلیل کیفیت بالای برنامه‌سازی علمی در بی‌بی‌سی، استفاده از بهترین و باکیفیت‌ترین نیروی انسانی متخصص است که در سطح استادی علمی در دانشگاه‌های معتبر هستند و هم‌زمان از قابلیت و کیفیت هنری و جوهر هنری برخوردارند و می‌توانند به‌عنوان برنامه‌ساز تلویزیونی نیز فعالیت کنند.

مطالعه مدیریت بحران هنگامی ممکن است که نگاهی سیستماتیک به موضوع رخداد زلزله و ابعاد و مشخصات آن و نحوه خرابی‌های آن بشود و «گزارش فنی» از هر رخداد و پیامدهای آن (از جمله نحوه فرایند مدیریت زلزله و امداد و نجات) تهیه و منتشر شود؛ چنین کاری متأسفانه در سال‌های اخیر با گسترش اینترنت کمرنگ شده و متأسفانه تهیه «گزارش فنی» کم‌اهمیت تلقی شده و بیشتر به ارائه مشاهدات غیرستند اکتفا می‌شود که از طریق اینترنت معمولاً با «فرااده-متادیتا» به هم می‌آمیزد و احساس نظم سیستماتیک در انجام کار مدیریت بحران را ایجاد می‌کند.

این مسئله در نهایت به توهم مدیریت بحران منجر می‌شود که طبیعتاً پسررفتی نسبت به کارهایی است که ۵۰ سال قبل در همین کشور ما از طرف روانشاد استاد معین‌فر دنبال می‌شد. چنین سیستماتیک لازم است تا چنین مطالعاتی با همان کیفیت و با دقت و مشارکت و امکانات جدید، با بهره‌گیری از توان تخصصی نسل جدید متخصصان زلزله و همچنین بهره‌گیری از توان و مشارکت بین‌المللی دنبال شود.

❖ **استاد پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله**